شنبه
۲۳ اسفند ۱۴۰۴- ۲۴ رمضان ۱۴۴۷ - ۱۴ مارس ۲۰۲۶- شماره ۳۰۱۸-پیاپی ۴۳۳۶

صمت
صنعت معدن تجارت

منشور اخلاق حرفه‌ای روزنامه‌نگاری در روزنامه صمت: www.smtnews.ir/about.html

صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی و مطبوعاتی «صمت»

مدیرمسئول: عاطفه خسروی

سازمان آگهی‌ها: ۸۸۱۰۵۲۸۸ - ۰۹۱۹۱۲۵۱۴۰۶
ایمیل آگهی‌ها: ads.smtnews@gmil.com
تلفن: ۸۲۱۹۰ (داخلی-۱۰۸)
توزیع و سازمان شهرستان‌ها: ۸۸۱۰۵۲۸۸
تهران، خیابان قائم مقام فراهانی - کوچه آزادگان شماره ۲۶- کدپستی ۱۵۸۶۷۳۳۸۱۱
روابط عمومی: pr@smtnews.ir
چاپخانه: صمیم

www.smtnews.ir
telegram.me/smtnews
tozi.smtnews@gmail.com
info@smtnews.ir
instagram.com/smtnewspaper
http://eitaa.com/smtnews
https://ble.ir/smtnews

عضو انجمن مدیران روزنامه‌های غیردولتی
عضو انجمن مدیران رسانه
عضو تعاونی مطبوعات

کارتون روز

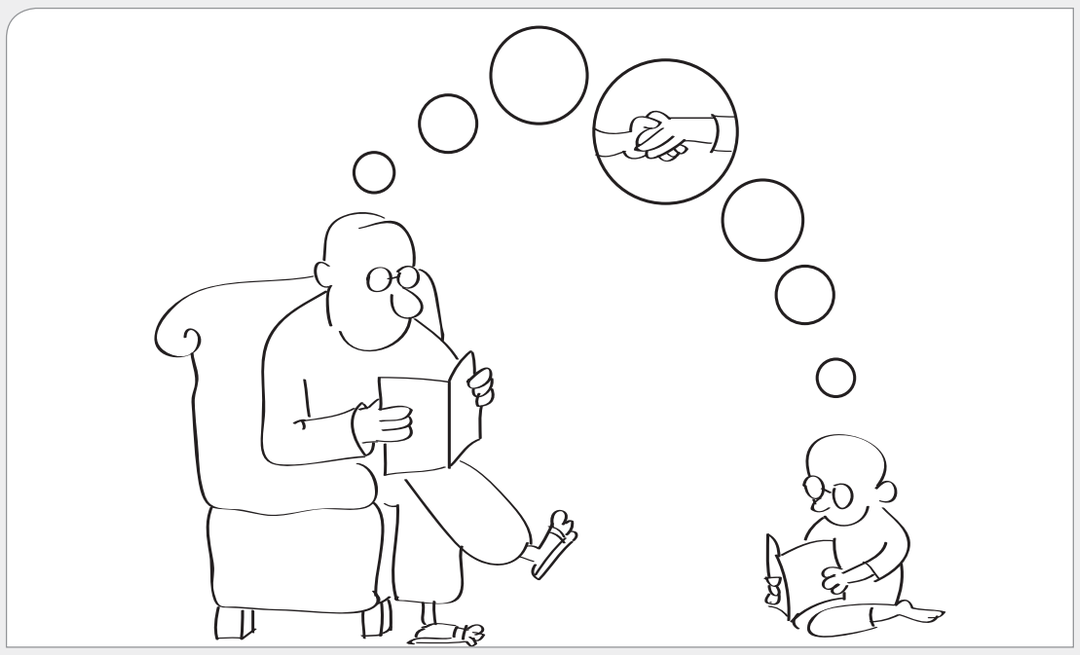

بدون شرح

طرح: حسین علیزاده

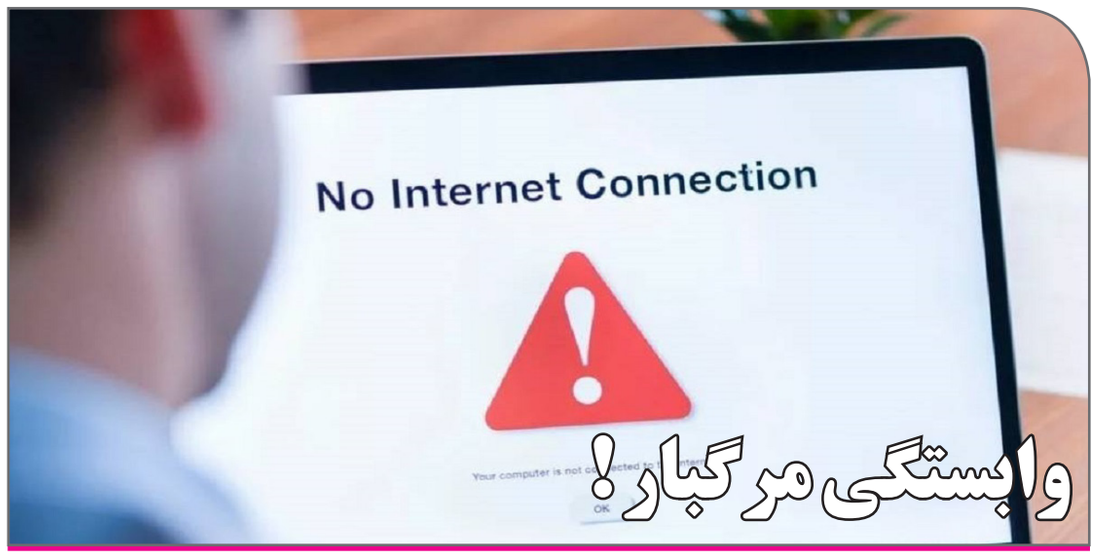

وابستگی مرگبار!

محدودسازی و یا قطع اینترنت در کشور تنها قطع ارتباط کاربران نیست بلکه شریان اصلی و حیاتی اقتصاد دیجیتال و پروژه‌های فناورانه را هدف گرفته و به اعتقاد متخصصان خسارات ناشی از قطع اینترنت علاوه بر کسب و کارهای آنلاین، آینده اقتصاد دیجیتال کشور را با ابهام جدید مواجه کرده، ضمن آنکه موجب تعدیل نیرو و تعطیلی استارتاپ‌ها و اخراج خاموش پژوهشگران از پروژه‌های خارجی خواهد شد.

شرووع

قطع یا محدودسازی اینترنت در ایران، در سال‌های اخیر از یک «اختلال مقطعی» عبور کرده و به متغیری ساختاری در معادلات اقتصادی و فناورانه کشور تبدیل شده است که اثرات آن تنها به افت دسترسی کاربران یا کندی ارتباطات محدود نمی‌شود، بلکه مستقیماً بر حیات کسب‌وکارها، پایداری پروژه‌های فناورانه و مسیر توسعه فناوری‌های پیشرفته‌ای مانند هوش مصنوعی اثر می‌گذارد. اقتصاد دیجیتال ایران که بخش قابل توجهی از آن بر بستر اینترنت بین‌الملل شکل گرفته، در دوره‌های خاموشی با کاهش شدید فروش، افت تراکنش‌های مالی، اختلال در زنجیره تأمین دیجیتال و از دست رفتن ارتباط با بازارهای داخلی و خارجی مواجه شده است.

برآوردهای رسمی و غیررسمی نشان می‌دهد هر روز قطعی یا محدودیت شدید اینترنت، ده‌ها میلیون دلار خسارت مستقیم و غیرمستقیم به اقتصاد کشور وارد می‌کند که این خسارت تنها به کسب‌وکارهای آنلاین محدود نمی‌شود و صنایع وابسته به فناوری، خدمات دانش‌بنیان، استارتاپ‌ها و شرکت‌های فناور را نیز در بر می‌گیرد. در این میان، کسب‌وکارهای کوچک و متوسط دیجیتال که فاقد منابع مالی و زیرساخت‌های جایگزین هستند، بیشترین آسیب را متحمل شده و در مواردی ناچار به تعدیل نیرو، تعلیق فعالیت یا خروج از بازار شده‌اند.

در سطحی عمیق‌تر، محدودسازی اینترنت پیامدهایی فراتر از زیان‌های کوتاه‌مدت اقتصادی دارد. پروژه‌های فناورانه و به‌ویژه حوزه‌هایی مانند هوش مصنوعی، داده‌کاوی و رایانش ابری به اتصال پایدار، دسترسی به داده‌های به‌روز، سرویس‌های بین‌المللی و همکاری‌های علمی و صنعتی فرامرزی وابسته‌اند. اختلال در این اتصال، روند آموزش و به‌روزرسانی مدل‌های هوش مصنوعی را کند کرده، مشارکت در پروژه‌های مشترک علمی و فناورانه را محدود ساخته و هزینه توسعه فناوری را به‌طور معناداری افزایش داده است؛ موضوعی که در نهایت به کاهش رقابت‌پذیری فناوری کشور در سطح منطقه‌ای و جهانی منجر می‌شود.

از این منظر، قطعی اینترنت صرفاً یک مسئله ارتباطی یا امنیتی نیست، بلکه عاملی تعیین‌کننده در آینده اقتصاد دیجیتال، زیست‌بوم نوآوری و مسیر توسعه هوش مصنوعی در ایران به شمار می‌آید؛ عاملی که تداوم آن می‌تواند شکاف میان توان بالقوه نیروی انسانی متخصص و امکان بالفعل‌سازی این توان در داخل کشور را عمیق‌تر کند. به اعتقاد متخصصان، در اختلال‌های جزئی، کسب‌وکارها آسیب می‌بینند اما زنده می‌مانند ولی در خاموشی کامل، سیستم‌ها فرصت تطبیق ندارند و مرگ ناگهانی رخ می‌دهد.

وضعیت استارتاپ‌های مبتنی بر پلتفرم

رامین عابدی اصل، تحلیلگر و مشاور ارشد فناوری اطلاعات در گفت‌وگو با ایسنا با اشاره به وضعیت کنونی استارتاپ‌های مبتنی بر پلتفرم گفت: در شرایطی که تصمیم‌های عمیق فنی، زیرساختی و ملی توسط سیاستگذارانی گرفته می‌شود که به نظر می‌رسد شناختی نسبت به معماری شبکه و اقتصاد دیجیتال ندارند، نتیجه چیزی جز فاجعه نیست. قطع یا محدودسازی اینترنت در کشوری با نزدیک به ۹۰ میلیون جمعیت، میلیون‌ها کسب‌وکار وابسته به فناوری و هزاران متخصص فعال در حوزه‌های IT و AI، یک فروپاشی سیستماتیک است.

وی با تاکید بر اینکه زیرساخت‌های دیجیتال ایران، به‌ویژه در حوزه فناوری اطلاعات و هوش مصنوعی، به دلیل تحریم‌ها و محدودیت‌های داخلی، سال‌هاست که ناچار به استفاده از سرویس‌ها، پلتفرم‌ها و زیرساخت‌های خارج از کشور هستند، اظهار کرد: قطع اینترنت بین‌الملل، عملاً به معنای بریدن شریان حیاتی این اکوسیستم است؛ شریانی که بدون آن، نه توسعه ممکن است، نه بقا و در حالی از «حمایت از نخبگان» و «رشد اقتصاد دانش‌بنیان» سخن گفته می‌شود که همین تصمیم‌ها، به شکل مستقیم، منجر به نابودی کسب‌وکارها، مهاجرت اجباری متخصصان و دفن آرزوهای نسل جوانی شده که می‌توانست موتور محرک آینده کشور باشند و فاجعه‌بارتر آن که، در برابر این خسارت عظیم، هیچ سازوکار پاسخگویی‌ای وجود ندارد.

عابدی قطع اینترنت را نه فقط «قطع ارتباط» بلکه یک فروپاشی زنجیره‌ای در تمام لایه‌های فناوری دانست و این لایه‌ها را شامل این موارد عنوان کرد:

لایه شبکه و نام دامنه (DNS): هر وب‌سایتی که DNS آن روی Cloudflare، AWS Route۵۳ یا سرویس‌های مشابه باشد، عملاً از دسترس خارج می‌شوند حتی اگر سرور داخل ایران باشد.

لایه سرویس و API: تمام APIهای بین‌المللی، از سرویس‌های پرداخت و احراز هویت گرفته تا APIهای هوش مصنوعی، تحلیل داده، نقشه، ایمیل، پیامک و لاگینگ، به‌طور کامل قطع می‌شوند.

زیرساخت ابری (Cloud Infrastructure):

AWS، Azure، GitHub، Docker Hub و ده‌ها سرویس حیاتی دیگر از مدار خارج می‌شوند به گونه‌ای که زیر ساخت‌هایی که سرورهای آنها خارج از ایران هستند به صورت کامل از دسترس کاربران ایرانی خارج می‌شود.

SEO و دسترسی جهانی: ارتباط موتورهای جست‌وجوی بین‌المللی با سایت‌های داخل ایران قطع می‌شود. این یعنی مرگ کامل سئو، حذف تدریجی از نتایج جست‌وجو و نابودی سال‌ها سرمایه‌گذاری محتوایی. به زبان ساده هر چیزی که حتی یک اتصال کوچک به بیرون از مرزهای شبکه ملی داشته باشد، می‌میرد و سایت‌هایی که خارج از ایران قرار دارند، با افت شدید ترافیک سایت مواجه می‌شوند و این برای سئوی سایت‌ها ویرانگر است.

این تحلیلگر هوش مصنوعی پاسخ به این سؤال که آیا در شرایط خاموشی اینترنت، زیرساخت هوش مصنوعی کشور عملاً تعطیل می‌شود؟ را مثبت دانست و توضیح داد: خاموشی اینترنت نشان داد که بخش بزرگی از آنچه در ایران با عنوان «هوش مصنوعی بومی» تبلیغ می‌شد، در واقع چیزی جز پوسته‌ای داخلی روی APIهای خارجی نبوده است. نه مدل بومی، نه دیتاست مستقل، نه زیرساخت آموزش، نه توان پردازشی واقعی. به همین دلیل، در روزهای ابتدایی قطع اینترنت تقریباً تمام سرویس‌های موسوم به AI از کار افتادند و بسیاری از سرویس‌ها نسخه‌های رایگان خود را بستند و عملاً ناپدید شدند.

تفاوت اختلال اینترنت و قطع کامل

وی اختلال اینترنت را مثل چشمه‌ای دانست که آبش کم شده و خاموشی اینترنت را به مثابه چشمه‌ای دانست که از ریشه خشک شده است و اضافه کرد: در اختلال‌های جزئی، کسب‌وکارها آسیب می‌بینند اما زنده می‌مانند، ولی در خاموشی کامل، سیستم‌ها فرصت تطبیق ندارند و مرگ ناگهانی رخ می‌دهد.

این محقق حوزه هوش مصنوعی در خصوص اثرات قطع اینترنت بر داده، آموزش مدل‌های AI و به‌روزرسانی الگوریتم‌ها توضیح داد: واقعیت تلخ این است ما اصولاً مدل داخلی قابل آموزش نداریم که از قطع اینترنت آسیب ببینند؛ از این رو وقتی دیتاست‌های جهانی قطع می‌شوند، به‌روزرسانی مدل‌ها متوقف و دسترسی به ریپازیتوری‌های علمی و کد قطع می‌شود. حتی مدل‌های متن‌باز قدیمی، به‌دلیل ضعف پردازش و شبکه، عملاً بلااستفاده خواهند شد و آنچه باقی می‌ماند، نسخه‌هایی ایزوله، قدیمی و بی‌کاربرد است.

این تحلیلگر هوش مصنوعی با بیان اینکه مدل‌های AI بدون اتصال جهانی قادر به رقابت نخواهند بود، یادآور شد: رقابت در AI بدون داده جهانی، همکاری بین‌المللی، دسترسی آزاد به ابزارها و اینترنت پایدار اصلاً معنا ندارد.

اثرات خاموشی اینترنت بر همکاری‌های علمی

عابدی به برخی از اثرات خاموشی اینترنت بر همکاری‌های علمی و اجرای پروژه‌ها در کشور اشاره کرد و گفت: اثر این رویکرد فوری و ویرانگر شامل مواردی چون لغو پروژه‌های مشترک، قطع ارتباط پژوهشگران با مجلات و کنفرانس‌ها، تعدیل نیرو و تعطیلی استارتاپ‌ها، اخراج خاموش پژوهشگران از پروژه‌های خارجی و شاید متاسفانه بسیاری از آنها هنوز نمی‌دانند که همکاری‌هایشان عملاً پایان یافته است.

وی تاکید کرد: علاوه بر اینها در خاموشی کامل اینترنت ایده‌ای شکل نمی‌گیرد، محصولی توسعه نمی‌یابد و بازاری ایجاد نخواهد شد و حتی سرویس‌های کاملاً داخلی مثل نقشه‌ها و سرویس‌های حمل‌ونقل دچار اختلال جدی می‌شوند و صنایع وابسته را تا مرز فروپاشی می‌برند و در چنین شرایطی تقریبا هیچ استارتاپی شانس بقا ندارد. در صورت قطعی اینترنت یکی از موارد زیر برای استارتاپ‌ها رخ می‌دهد:

- وابسته به سرور خارجی که مساوی با مرگ این کسب و کارها است
- وابسته به موتور جست‌وجوی خارجی که مساوی با تهدید جدی برای کسب و کارهاست
- کاملاً داخلی که کسب و کارها گرفتار ناپایداری شبکه ملی می‌شوند.

عابدی چنین شرایطی را برای کسب و کارها همانند اتاق مراقبت‌های ویژه بدون اکسیژن توصیف کرد و افزود: زیرساخت بدون سناریوی بحران، زیرساخت نیست توهم پایداری است و هزینه نهایی آن نابودی امید، بیکاری متخصص و آینده‌ای پرخطر برای جامعه است.

سخن پایانی

امروز بسیاری از متخصصان نه به «پیشرفت» بلکه به فرار از «بی‌ثباتی» فکر می‌کنند و نمی‌توان انتظار داشت با محدود کردن اینترنت، AI رشد کند؛ چون اینترنت پایدار، مانند خون در رگ‌های هوش مصنوعی است. هوش مصنوعی در ایران مثل بذری است که تازه کاشته شد و قطع اینترنت اجازه جوانه‌زدن را از آن گرفته است. به گفته بسیاری از کارشناسان این حوزه، برخی هزینه‌ها شاید جبران شوند، اما از دست رفتن اعتماد، اعتبار و نخبگان غیرقابل بازگشت است.

روی خط آمار

تله بیکاری برای تازه‌نفس‌ها

داده‌های مرکز آمار ایران نشان می‌دهد که گروه‌های سنی مختلف، میزان متفاوتی از مشارکت اقتصادی و نرخ بیکاری را دارند که این تفاوت به عوامل مختلفی بر می‌گردد؛ از طولانی‌شدن سن ورود به بازار کار تا نابرابری‌های جنسیتی و جغرافیایی.

بنا به آخرین گزارش منتشرشده از مرکز آمار ایران، نرخ مشارکت اقتصادی ۴۰.۷ درصد و نرخ بیکاری ۷.۸ درصد است. با این حال، با بررسی داده‌های جزئی‌تر می‌توان دریافت که در گروه‌های سنی مختلف (مرد و زن)، میزان مشارکت اقتصادی و بیکاری، تنوع مختلف و حائز اهمیتی دارد.

کمترین میزان مشارکت اقتصادی

مطابق با داده‌های مرکز آمار ایران از طرح آمارگیری نیروی کار در پاییز ۱۴۰۴، گروه سنی ۶۵ و بیشتر با مشارکت اقتصادی ۸.۹ و گروه سنی ۱۵ تا ۱۹ با مشارکت اقتصادی ۱۱.۳ در انتهای فهرست مشارکت اقتصادی قرار دارند. این نرخ‌ها با توجه ره رده سنی مذکور قابل تبیین است؛ افراد ۱۵ تا ۱۹ ساله عموماً به تحصیل در مقطع دبیرستان یا سال نخست دانشگاه مشغول هستند و افراد ۶۵ به بالا نیز- با توجه به قانون بازنشستگی پس از ۳۰ سال خدمت- بازنشسته محسوب می‌شوند.

از سوی دیگر، گروه‌های سنی ۲۵ تا ۵۴ سال با نرخ مشارکت اقتصادی بالای ۴۵درصد، در بالای فهرست قرار دارند. ۲۵ سالگی با توجه به افزایش نیاز به تحصیلات تکمیلی (مقطع کارشناسی ارشد) یا اتمام تحصیلات در مقطع کارشناسی و سپس اعزام به خدمت وظیفه عمومی، سن ورود به بازار کار رسمی محسوب می‌شود.

این نرخ با نوسانی در حدود ۳ درصد (۵۷.۷ در ۲۵ تا ۲۹ و ۵۳.۹ درصد در ۴۵ تا ۴۹ سال) بالای ۵۴ درصد باقی می‌ماند و در بازه سنی ۵۰ تا ۵۴ سالگی، افت محسوس ۸ درصدی رخ می‌دهد که حاکی از آغاز بازنشستگی است و پس از آن، این افت شدیدتر شده تا به ۸.۹ درصد برای افراد بالای ۶۵ سال برسد.

نکته حائز اهمیت آن است که در بازه سنی ۲۵ تا ۴۹ سال، رقم مشارکت اقتصادی مابین ۵۳.۹ تا ۵۷.۷ است؛ به دیگر سخن، ۴۷.۱ تا ۴۲.۳ درصد از جمعیت این بازه سنی یا به کار مشغول نیستند یا آنکه در مشاغل رسمی حضور ندارند. بخش عمده‌ای از این درصد قابل توجه، به زنان تعلق دارد؛ باوجود آنکه زنان همواره بیش از نیمی از صندلی‌های دانشگاه را به خود اختصاص می‌دهند اما موانع مختلف و سقف‌های شیشه‌ای مانع از حضور مستمر و قابل توجه آنان در بازار کار رسمی می‌شود.

بالاترین نرخ بیکاری در گروه‌های سنی

بررسی داده‌های مرکز آمار ایران نشان می‌دهد که بالاترین میزان نرخ بیکاری برای گروه سنی ۲۵ تا ۲۹ سال با ۲۲ درصد است و گروه‌های سنی ۲۰ تا ۲۴ سال با ۲۰.۲ درصد و ۳۰تا ۳۴ سال با ۱۸.۲ درصد، در رتبه‌های بعدی قرار دارند. کمترین میزان نرخ بیکاری نیز به گروه‌های سنی ۵۰ تا ۵۴ سال با ۲.۴ و ۶۵ به بالا با ۲.۵ تعلق دارد.

به گزارش اکوایران، اینکه گروه‌های سنی ۲۰ تا ۳۴ سال بیشترین میزان نرخ بیکاری را دارند، مؤید تحلیل‌های پیشین در خصوص نحوه مشارکت اقتصادی است؛ به واقع با پایان دوران تحصیل و انجام خدمت وظیفه عمومی، گروه جمعیتی این رده سنی به جست‌وجوی شغل می‌پردازد. گروه‌های سنی ۳۵ به بعد، با افت قابل توجهی در میزان نرخ بیکاری‌شان مشاهده می‌شود.

نکته اساسی آن است که نرخ بالای بیکاری برای گروه‌های سنی‌ای که پا به بازار کار می‌گذارند، خود هشداری مهم است.

بخشی از این بیکاری می‌تواند به رکود حاکم بر بازار مربوط باشد؛ به نحوی که ترکیب آن با تورم، بنگاه‌های اقتصادی را از استخدام نیروی جدید باز دارد. از سوی دیگر، می‌توان نرخ پایین دستمزد (متناسب با تورم) و یا کمبود مهارت‌های لازم در بازار کار اشاره کرد. افزون بر این‌ها، نابرابری‌های جغرافیایی در دسترسی به مشاغل و سطوح پایین توسعه در مناطق دورافتاده کشور یا مناطق روستایی نیز مزید بر علت نرخ بالای بیکاری برای جمعیت جوان کشور خواهد شد.

دریچه

نگاهی به هزینه جنگ‌های امریکا

براساس پروژه Costs of War دانشگاه براون، مجموع هزینه‌های جنگ‌های امریکا در دو دهه اخیر به حدود ۸ تریلیون دلار رسیده و فشار اقتصادی گسترده‌ای بر بودجه دولت و اقتصاد جهانی وارد کرده است.

سال ۱۴۰۴ برای خاورمیانه با تنش‌های تازه نظامی همراه شد؛ ابتدا در جریان درگیری‌هایی که رسانه‌ها آن را «جنگ ۱۲ روزه» نامیدند، حملاتی از سوی اسرائیل علیه اهدافی در ایران انجام شد که نگرانی‌ها درباره گسترش درگیری در منطقه را افزایش داد. در ادامه سال و در یک هفته اخیر نیز، دور جدیدی از حملات توسط امریکا و اسرائیل علیه ایران رخ داد که بار دیگر دامنه نگرانی‌ها درباره تنش‌ها و بی‌ثباتی منطقه‌ای را تشدید کرد.

این رخدادها بار دیگر توجه جهانی را به این واقعیت جلب کرده است که امریکا در طول یک قرن گذشته آغازگر بسیاری از جنگ‌ها بوده و تأثیرات اقتصادی، انسانی و ژئوپلیتیکی گسترده‌ای برجای گذاشته است.

این جنگ‌ها نه تنها ساختار سیاسی کشورها را تغییر داده‌اند، بلکه اقتصاد کشورها را نیز با شوک‌های عظیم مواجه کرده‌اند.

براساس پروژه Costs of War دانشگاه براون، هزینه‌های ناشی از جنگ‌ها و عملیات نظامی امریکا طی دو دهه گذشته به هزاران میلیارد دلار رسیده و فشار اقتصادی گسترده‌ای بر بودجه دولت و اقتصاد جهانی وارد کرده است؛ به طوری که مجموع هزینه این جنگ‌ها، از جمله جنگ‌های پس از ۱۱ سپتامبر، به حدود ۸ تریلیون دلار می‌رسد، رقمی که شامل هزینه عملیات نظامی، بازسازی مناطق جنگی، مراقبت‌های درمانی از کهنه‌سربازان و بهره بدهی‌های ناشی از تأمین مالی این درگیری‌ها است.

تاریخ جنگ‌های امریکا نشان می‌دهد حتی پیش از قرن بیست‌ویکم نیز این کشور با هزینه‌های سنگین نظامی مواجه بوده است. جنگ جهانی دوم برای امریکا بیش از ۴ تریلیون دلار هزینه داشت و بیش از ۳۰ درصد تولید ناخالص داخلی در اوج آن صرف هزینه‌های نظامی شد، ابعادی که اقتصاد کشور را برای دهه‌ها تحت تأثیر قرار داد. جنگ جهانی اول بیش از ۳۳۰ میلیارد دلار، جنگ کره بیش از ۳۴۰ میلیارد دلار و جنگ ویتنام بیش از ۷۳۰ میلیارد دلار برای واشنگتن بار مالی ایجاد کردند؛ اعدادی که نشان می‌دهد بار مالی جنگ‌ها پیش از قرن بیست‌ویکم نیز برای امریکا قابل توجه بوده است.

اما حضور نظامی امریکا در خاورمیانه و آسیای جنوب غربی از سال ۲۰۰۱ تاکنون ابعاد تازه‌ای یافته است. پس از حملات ۱۱ سپتامبر، واشنگتن وارد جنگ‌های گسترده‌ای در افغانستان و عراق شد که هر دو از پرهزینه‌ترین درگیری‌های تاریخ این کشور هستند.

جنگ افغانستان که نزدیک به دو دهه ادامه داشت بیش از ۲.۳ تریلیون دلار برای امریکا هزینه داشت، بخشی از این بودجه صرف عملیات نظامی، آموزش نیروهای امنیتی و بازسازی زیرساخت‌ها شد.

در عراق نیز مجموع هزینه‌ها برای دولت امریکا نزدیک به ۲.۱ تا ۲.۲ تریلیون دلار بود. این هزینه‌های نظامی بخش مهمی از بدهی عمومی امریکا را تحت فشار قرار داده است. برخلاف جنگ‌های پیشین که با افزایش مالیات یا بسیج منابع داخلی پوشش داده می‌شدند، بسیاری از جنگ‌های قرن بیست‌ویکم از طریق استقراض و انتشار اوراق قرضه دولتی تأمین شده‌اند.

پرداخت بهره این بدهی‌ها بار مالی سنگینی بر بودجه کشور وارد کرده و توان دولت را برای سرمایه‌گذاری در بخش‌های دیگر مانند بهداشت، آموزش و زیرساخت‌ها کاهش داده است. برآورد می‌شود هزینه مراقبت‌های درمانی و حمایت از کهنه‌سربازان این جنگ‌ها تا سال ۲۰۵۰ بیش از ۲.۲ تریلیون دلار دیگر به بودجه دولت تحمیل کند.

جنگ‌ها همچنین اثرات گسترده‌ای بر بازار انرژی جهانی داشته‌اند. درگیری‌ها در خاورمیانه به‌خصوص در سال‌های اخیر بارها با افزایش نرخ نفت همراه بوده است، موضوعی که هزینه‌های تولید و حمل‌ونقل را در سطح جهانی افزایش داده و فشار تورمی افزوده بر اقتصادهای توسعه‌یافته و در حال توسعه را تشدید کرده است. افزایش نرخ انرژی نه تنها بر مصرف‌کنندگان تأثیر گذاشته، بلکه هزینه‌های تولید برای صنایع مختلف را بالا برده و توان رقابتی کشورها را کاهش داده است.

از سوی دیگر، در دوران جنگ نوسان در بازارهای جهانی افزایش می‌یابد. سرمایه‌گذاران در زمان نااطمینانی و درگیری‌های نظامی به دارایی‌های امن مانند طلا و اوراق قرضه دولتی روی می‌آورند، موضوعی که باعث افزایش نوسان و کاهش سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت در بازارهای سهام می‌شود. این الگو در بسیاری از جنگ‌های قرن بیست‌ویکم به چشم خورده که اقتصادهای جهانی را با چالش‌های جدید مواجه کرده است.

جنگ‌ها همچنین باعث رشد و سوددهی صنایع خاصی شده‌اند. شرکت‌های بزرگ تولید تجهیزات نظامی و دفاعی سهم قابل توجهی از بودجه‌های نظامی امریکا را از آن خود کرده‌اند. در دوره‌ای پنج‌ساله، بیش از ۲.۴ تریلیون دلار از سوی وزارت دفاع امریکا در قالب قراردادهای نظامی به شرکت‌های خصوصی پرداخت شده است، رقمی که بخش عظیمی از بودجه دفاعی این کشور را تشکیل می‌دهد و نقش پررنگی در سوددهی این صنایع داشته است. ابعاد انسانی جنگ‌ها نیز بسیار گسترده است. در طول دو دهه اخیر، نزدیک به ۹۰۰ هزار نفر در نتیجه خشونت‌های نظامی جان خود را از دست داده‌اند و میلیون‌ها نفر دیگر آواره شده‌اند. این آمار انسانی نشان می‌دهد هزینه جنگ‌ها به‌مراتب فراتر از اعداد مالی است و پیامدهای اجتماعی، روانی و فرهنگی آنها تا دهه‌ها ادامه دارد. جنگ‌ها همچنین باعث افزایش بودجه نظامی سایر کشورها شده‌اند. کشورهایی که در موقعیت‌های ژئوپلیتیکی حساس قرار دارند یا بخشی از اتحادهای نظامی بزرگ هستند، برای مقابله با تهدیدات و افزایش توان دفاعی خود مجبور به افزایش بودجه نظامی شدند؛ موضوعی که بار مالی بیشتری بر اقتصادهای کوچک و متوسط وارد کرده و منابع مالی آنها را از بخش‌های توسعه اقتصادی دور کرده است.

تنش‌های اخیر در سال ۱۴۰۴ میان امریکا، اسرائیل و ایران بار دیگر نشان داد که جنگ‌ها همچنان بخش مهمی از سیاست خارجی و رقابت قدرت‌های جهانی هستند. هزینه‌های میلیارد دلاری، افزایش بدهی عمومی، فشار تورمی و اثرات ناپایدار بر بازارهای جهانی بخشی از نتایج اقتصادی این درگیری‌هاست که حتی سال‌ها پس از پایان رسمی عملیات نظامی نیز ادامه دارد.

تجربه یک قرن گذشته نشان داده است که جنگ‌ها ترکیبی از پیامدهای سیاسی، انسانی و اقتصادی هستند. امریکا با آغاز یا مشارکت در بسیاری از جنگ‌ها، هزینه‌های سنگینی بر اقتصاد خود و اقتصاد جهانی تحمیل کرده است و این هزینه‌ها حتی پس از پایان رسمی جنگ‌ها نیز ادامه دارد. در شرایطی که جهان با بحران‌های بدهی، تورم و بی‌ثباتی اقتصادی مواجه است، ادامه تنش‌های نظامی می‌تواند فشارهای مالی و اجتماعی را تشدید کند و مسیر رشد اقتصادی را با ابهام بیشتری روبه‌رو سازد.